

هویت در معماری داخلی (دوره اسلامی)

محمد دبدبه^{۱*}، امید شاطری وایقان^۲

۱- کارشناسی ارشد معماری داخلی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ایران؛ hammad.dabdabeh74@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد معماری داخلی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ایران

چکیده:

هویت از صفات و مجموعه‌ای از ویژگی‌های برای تعیین ثبات یک فرد، جامعه و کشورها پدیدار می‌شود. از سویی دیگر هویت معنایی نیازمند ارتباط فضایی - مکانی برای شکل‌گیری هویت در معماری داخلی بناها و بناهای تاریخی نمود پیدا کرده است، با این وجود معماری داخلی نقش بارزی در تشکیل تأثیرگذاری و تأثر آن بر هویت انسان‌ها برعهده دارد. چراکه توجه به دگرگونی‌ها و تحولات در رابطه با عناصر، فرهنگ، تاریخ و ظهور مداوم مکان (دوره اسلامی)، در تعیین تحولات به یک مؤلفه‌ای در ارکان هویتی با مفهوم فضا ایفاء می‌کند به طوری که فضاها در سیر تاریخی مشمول یک هویت تداوم یافته در تاریخ، فرهنگ یک جامعه همواره با شاخصه‌های مؤثر در زندگی بشری القاء می‌نماید. با شناخت و نگرش ماهیت هویت در معماری داخلی با بهره‌گیری از یک رویکرد سازماندهی سامانه‌ای در جهت افزایش خوانایی، پیوستگی و بهبود ادراک بصری، حس زمانی - حس مکانی در ایجاد فضای مطلوب و هماهنگ با هویت مصداق می‌کند. طوری که در طراحی معماری داخلی بناها در دوره‌های ایرانی - اسلامی از پیچیدگی و رمزآلود بودن فرم و ساختار فضایی از عینی به ذهنی در شناخت هویت اسلامی با دیگر ادیان، امری قابل توجهی بیان می‌دارد. فلسفه، حکمت و هنر اسلامی و وجود معماری داخلی در فرم‌ها و فضاها در تعیین هویت در نظر گرفته و عناصر فلسفه وجودی هویت هر فرمی رازیباتر در زیبایی شناختی توأم با درک معنایی محیط و حفظ ریشه‌های هویت در ذهن، خلق مکانی برای بررسی و معرفی هویت در معماری داخلی در پاسخگو بودن به دنیای بشریت در زمینه شناخت و عوامل زمانی، مکانی و موقعیت شکل‌پذیری می‌توان فراهم آورد. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای تأثیرپذیری هویت در معماری داخلی دوره اسلامی پرداخته و مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین در این مقاله سعی شده است تا علاوه بر نقش و بررسی هویت در معماری داخلی دوره اسلامی بناها و بناهای تاریخی در تعیین اهداف با رویکرد «هویت» برای پژوهش حاضر ارتباط پایدار و راهکاری خلاقانه با پیوند استوار با هویت در معماری داخلی اسلامی ارائه گردد.

کلمات کلیدی: هویت، معماری داخلی، دوره اسلامی، فلسفه، حکمت و هنر اسلامی

۱- مقدمه:

هویت در جهان هستی امروز، تلاشی است برای حفظ هویت و یکی از مطالبات و منازعات اصلی ادیان بین ملت‌ها می‌باشد (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). واژه اسلامی همچنان که در این نوشتار استفاده شده اشاره به تمامی اشیایی دارد که در کشورهای اسلامی به خصوص ایران که مذهب و سیستم سیاست‌گذاری اسلامی می‌باشد اشاره دارد که البته این مسئله ارتباطی به مذهبی بودن یا کاربرد مذهبی‌شان ندارد. یکی از مظاهر انعکاس هنر ایرانی در معماری داخلی، الگوهای عملکردی و برگشت پذیری به طبیعت بی‌کران خداوند متعال می‌باشد که با رویکرد مناسب در جهت رسیدن به هویت معنوی با انسان وجودی ممکن خواهد بود. هویت معماری داخلی در دوره اسلامی یک هویت اصیل و دارای ارزش‌های هنری، زیبایی‌شناختی، روحی، معنوی و فلسفی بوده است که هنوز پس از گذشت سالیان متوالی با ورود به بناهای تاریخی ارزشمند روح مکان - حس مکان با روح و روان انسان یک هماهنگی مطلوب با فضا و فرم کالبدی بناها و بناهای ارزشمند می‌توان شاهد بود، فضاهای داخلی با ویژگی‌های منحصر به فرد به انسان اعم از نقوش اصیل، نقوش هندسی، نقاشی‌های هنری ارزشمند، گچ‌کاری، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، منبت‌کاری، مقرنس‌کاری، آجرکاری، کاربندی و... که هر یک دارای معانی واحد و جامع به نام هویت معماری داخلی دوره اسلامی، از یک مکان با روح مکان در فضا احساس و حس مکان، لمس کرد که یک حس مکانی پراز خاطرات با رویدادهای فردی و جمعی که «هویت» پدیدآورنده آن می‌باشد. هویت عامل مهم در جهت تجلی بخشیدن به باورها، اعتقادات، ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی، ارزش‌های معنوی - هنری بوده، هویت معماری داخلی در دوره اسلامی در تعیین زندگی انسان و رفتار تأثیر بسزایی دارد. امروزه با بازنده‌سازی، نوسازی، بهسازی، مرمت، انطباق‌کاری و تغییر کاربری بناهای تاریخی با الگوهای برگرفته از دوره ایرانی - اسلامی تاکنون تبدیل به یک عنصر نوشتارلیک در رشد و پیوند معماری داخلی امروزی با معماری داخلی اصیل شده تا بتوان هویت معماری دوره اسلامی را در زندگی گسترش و باعث عدم رشد و نفوذ هویت‌های دیگر ادیان به هویت اسلامی گردد.

دوره اسلامی از ابتدا نوع معماری، استفاده از مصالح اولیه برای ساخت واحداث بناها بهره می‌گرفت و شاهکارهای بی‌ظیر به وجود می‌آورده است. در معماری دوره اسلامی آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، تزئینات چوبی، نقاشی، آینه‌کاری و سایر هنرهای تزئینی در اوج زیبایی و مهارت اجرا می‌شدند. گذشته معماری داخلی و بخش‌های عمده‌ای از تزئینات در فضاهای داخلی ارتباطی قطع نشدنی با ساختار اصلی بنا داشت که با ایجاد و وجود تزئینات داخلی در معماری، با ایجاد تغییراتی با درجات مختلف و متنوع پس از ساخت بناها در آن و استفاده طولانی از بناها، در تزئینات و معماری داخلی به صورت مستقل لحاظ می‌گردید که دوره اسلامی به عنوان هویت اصیل و بارز در دوره‌های مختلف معماری یاد می‌شود.

چیستی و کیستی جایگاه معماری در بیان هویت امروزه به عنوان یک استعاره اصلی «معماری به مثابه هویت» مطرح می‌شود (ابلی، ۱۳۸۷: ۲۶۵). طوری که انسان از زمانی که آغاز به شناخت خود و جهان هستی کرد مسئله هویت برایش ریشه انداخته است، هویت همواره با حیات فردی و اجتماعی در زمره کشمکش‌های جدال برانگیز در طول تاریخ بر جویای کشف هویت و آشکاری آن دائماً در عالم پرس و جواز خود یک دغدغه حیاتی مربوط می‌دانسته است (رهبری، ۱۳۸۷: ۱۵). اتفاق نظرهای حاصل شده

فلسفه حکمت هنر اسلامی بین دو حوزه دین و هنریک امری متعالی می باشد (نقره کار و رئیس، ۱۳۹۱: ۶). هویت پنهان در حکمت هنر اسلامی نقش سزاوار شایسته در معماری داخلی با اندیشه های اسلامی وجود دارد که با بیان فلسفه هنر در معماری دوره اسلامی تجلی گاه هویت و معناگرایی در آثار و بناهای تاریخی می توان با اندیشمندان متفکر به فلسفه حکمت و هنر اسلامی پیوند آن با معماری متقاعد کرد. با این حال هویت فرآینده ارزش های معنوی و تجارب گذشتگانمان در سیر تکامل با شاهکارهای آثار برجسته معماری های دوره اسلامی رابطه منطقی می توان در نظر گرفت، معماری دوره اسلامی یکی از بزرگ ترین جلوه های ظهور فلسفه هنری در کالبد معماری به مثابه هنر اسلامی به شمار می آید (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۶-۵۷). هنر دینی تجربه ای از زیبایی شناختی از امر متعال و قدسی است و امر قدسی از ساحتی فراتر از ماده و آسمان صادر می شود (رهنورد، ۱۳۷۸: ۵۱). به عبارت دیگر تأویل بناهای اسلامی به کمک مشخصات سرزمینی است که معماری آن ها برگرفته از مفاهیم معنوی و حکمی اسلامی از خصوصیات این بناها در تعیین هویت بوده است. فلسفه هویت به معنی کیستی انسان به عنوان یک نوع است، آدمی همواره به دنبال ویژگی و صفات می گردد که خود را از سایر پدیده ها و مخلوقات جهان متمایز کند، هر پدیده با هر گرایشی به سوی ذات، ریشه و گوهر اصل خویش می باشد.

بنابراین در این مقاله سعی بر یافتن معنا و مفهوم هویت معماری داخلی در دوره اسلامی پرداخته گردیده شده است، می توان گفت هستی هویت از فضا - مکان و شناخت انسان از مکان و آنچه حس مکان - روح مکان سبب شکل گیری هویت می شود. معنای هویت را می توان در مؤلفه های دیگر علوم با گرایش های مختلف تجزیه و تحلیل کرد تا با مطالعه معنای هویت معماری داخلی در دوره اسلامی برای این نوشتار به دنبال پاسخ های برای پرسش ها، که در اینجا چنین سؤالاتی را می شود مطرح کرد. هویت معماری در چیست؟ هویت معماری داخلی در چیست؟ آیا هویت یک سبک در معماری و معماری داخلی می باشد؟ آیا معماری داخلی هویت بیشتری نسبت به معماری دارد؟ فلسفه وجودی معماری داخلی چیست؟ آیا فلسفه حکمت و هنر اسلامی با هویت معماری داخلی در دوره اسلامی بر یکدیگر تأثیر گذارند؟ بوده است که مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

برخی از بررسی های انجام گرفته شده و مستندات مکتوب در روند پیشینه پژوهش حاضر بر اساس (جدول ۱)، صورت گرفته که می توان یک گام مؤثر در پاسخگویی به قسمتی از موضوع پژوهش لحاظ نمود.

مقاله های مرتبط با موضوع پژوهش			
نویسندگان	سال	عنوان	توضیحات استنتاجی
حامد کامل نیا	۱۳۸۴	«هویت زدایی از معماری»	- ارزش معماری در هر دوره = باید پاسخ واقعی به نیازهای زمان خود باشد. - معماری و زندگی، تماماً نمای یکدیگرند. - معماری هویت و آرزوی صاحبان جامعه است گرچه خواه زشت، خواه زیبا، خواه بد و خواه خوب باشد.
لیدا بلیان اصل ایرج اعتصام سید غلامرضا اسلامی	۱۳۹۰	«نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران» - سازماندهی فضایی در جهت توسعه و تکامل.	- تعیین نقش فضاها بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت های تاریخی ایران. - سازماندهی فضایی در جهت توسعه و تکامل.
نوشین ضیاء شهابی منا آذرنوش	۱۳۹۰	«جایگاه معماری داخلی در باززنده سازی بناهای تاریخی»	- حفظ ارزش معماری داخلی در باززنده سازی بناهای تاریخی. - قابلیت برگشت پذیری به اصالت اولیه بنا. - باززنده سازی با الگوی مناسب با اساس طراحی خود بناها.
سیدحسین تقوائی	۱۳۹۱	«از سبک تا هویت در معماری»	- چپستی هویت به عنوان ویژگی ذاتی معماری. - هویت امری است که در طول زمان با انسان و باورهایش قابل صلب و متحول شدن می باشد.
نوشین ضیاء شهابی	۱۳۹۵	«نگاهی به تاریخ حرفه معماری داخلی»	- معماری داخلی جایگاه تخصصی و زمینه ای برای نقد علمی و دقت نظر در طراحی داخلی را طلب می کند. - هماهنگی در معماری داخلی با تمام اجزاء یک وحدت یکپارچه را به وجود می آورد.
امیرحسین فرشچیان مرتضی شجاری	۱۳۹۶	«بررسی و نقد دیدگاه دکتر نصر در باب معماری اسلامی و ویژگی های آن»	- معماری مهم ترین جنبه خودی نسبت به همه موضوعات زندگی بشریت می باشد. - معرفت و معنویت در معماری راه کاری مؤثر در بازگرداندن هویت و اصالت به معماری بوده است. - سنت گذشته باز یافت، و دین و معنویت کاملاً احیاء شود. - معماری اسلامی متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم و نوع زندگی جاری جامعه اسلامی باشد.
محمد محسن عابدی فرزانه محمدیان یامی	۱۳۹۷	«زیبایی شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی»	- زیبایی برای انسان اصولاً موضوعیت دارد و نیز جزء نیازهای فطری انسان می باشد. - اصول و مفاهیم زیبایی شناسی معماری دوره اسلامی نمود هویت و زیبایی می باشد.
امید شاطری وایقان محمد دبده	۱۳۹۸	«رویکرد احیای بافت های تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها»	- هویت یک اثر دارای معنای واحد و فرآیند ارتباط بین معمار و ذهن مخاطب، که نشانگر روح مکان - حس مکان و روح زمان می باشد. - حفظ و ارتقاء هویت شهری با باززنده سازی بناهای تاریخی. - احیاء بناهای تاریخی در روند احیای گسترش هویت و گردشگری.

جدول ۱- مستندات مکتوب براساس موضوع پژوهش (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

۳- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به حیث نوع به اهداف آن کاربردی می باشد و از حیث راهبرد تحقیقی با توجه بر مبنای آن از روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده ها از روش کتابخانه ای بهره گرفته شده است. و برای تحلیل نظریه ها از استدلال منطقی برای مستندات متون صورت گردیده که در این روش تلاش می شود که مباحث راهبرد کیفی و مفهومی در این پژوهش تسری داده شود. بنابراین با این روش گامی مؤثر در تحقق رسیدن به راه حل مناسب، و حرکت جوهری در رسیدن معنا و مفهوم هویت در معماری داخلی دوره اسلامی به نتیجه مطلوب بهره گرفت.

۴- هویت^۱ - (دوره اسلامی)

هویت یعنی حدی و مرزی که شخص می تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از دیگر مکان ها مورد ارزیابی قرار دهد یعنی شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۰۵). هویت دارای مختصاتی است که همچون ریشه ذاتی وجودی انسان با نیازهای فطری^۲ او نهادینه می شود. هویت یک مفهوم عام است و برای داشتن هویت باید مجموعه ای از خصوصیات و ویژگی های در چیزی جمع، که برای داشتن هویت می توان بر شمرد. هویت در معنای کلی، دارای دو جنبه کالبدی (ظاهری)، و (باطنی)، بوده که فقط از نظر ذهنی می توان این دو جنبه را از هم جدا کرد. جنبه ظاهری بیشتر بعد حیوانی انسان و ویژگی و خصوصیات کمی و کیفی آدمی را دربر گرفته، اما هویت انسانی چیزی فراتر از ظاهر می باشد که بخش اصلی هویت را دربر می گیرد طوری که در نهایت شکل گیری هویت از تلفیق این دو جنبه می باشد. هویت بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت آدمی را تشکیل می دهد، به بیان دیگر هویت احساس تعلق خاطر به روح مکان با مجموعه ای از احساس های مادی و معنوی که عناصر آن از بدو همراه انسان بوده است در واقع هویت میان انسان و مکان رابطه ای عمیق همراه با معناگرایی در ارتباط و هم راستا برانگیخته گردیده شده است. هم چنین محیط عامل مهمی در احراز هویت برای انسان جهت تجلی کالبدی باورها و ارزش های فرهنگی جامعه است و می تواند در احساس هویت یابی تأثیرگذار باشد. هویت در آثار معماری موضوعی چالش برانگیز است برخی هویت را معادل روح مکان یا حس مکان در نظر گرفته و برخی معادل معنای محیط می دانند طوری که محیط زندگی انسان تأثیر بسزایی در رفتار، فرهنگ، معماری، معماری داخلی و هویت انسان به سمت ارزش های مستتر در خویش دارد. امروزه برای نشان دادن هویت معماری دوره اسلامی باید از بناهای که هویت یک جامعه می باشد را با یک رویکرد انطباقی جدید در طراحی^۳ در جهت اثری هویت مدارانه در معماری داخلی لحاظ و از منظر حکمت هنر اسلامی^۴ از نظر شیوه و روش مبتنی بر حکمت عملی در اسلام اعمال کند و از احکام پنج گانه اعم از واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح تبعیت و در مسیر عدالت در طراحی قدم گذاشته باشد. لذا معماری و معماری داخلی تجربه ای از فرایندی عاری از استعداد و هنر برگرفته از ایده های متعالی در مسیر حقایق وجودی و رسیدن به مسیر عدالت وجودی به تعبیری دیگری یعنی قرار دادن هر چیز در جای اصلی و مناسب خود که نهایتاً خلق اثر در معماری و معماری داخلی برای رسیدن به هویت محقق می شود. نکته مهم در این فرایند نسبی بودن تحقق اهداف و خروجی هویت در آثار معماری است. بنابراین می توان اشاره کرد که ایمان، فهم و ادراک^۵ در برداشت

هویت در معماری داخلی (دوره اسلامی)

محمد دبیده، امید شاطری وایقان

صص ۱-۱۸

حقایق عالم هویت تأثیرپذیری می‌باشد. برای تعریف هویت در واژه‌های (زبان‌شناسی - زبان‌شناختی)^۶ می‌توان به (جدول ۲)، در زیر اشاره کرد طوری که این واژه‌ها هویت ما را به انسان، معماری و مؤلفه‌های آن به یک کلیت می‌رساند.

ردیف	تعریف هویت
۱	هویت در فرهنگ فارسی «معین» چنین تعریف شده است: - هویت به ذات باری تعالی، هستی وجود که موجب شناسایی شخص یا چیزی تعریف می‌شود.
۲	هویت در فرهنگ فارسی «عمید» چنین تعریف شده است: - هویت را حقیقت یک شخص یا یک شی که مشتمل بر صفات برگرفته از جوهری خود باشد تعریف شده است.
۳	هویت در لغت نامه «دهخدا» چنین تعریف شده است: - هویت تشخیصی که گاه بر ماهیت خود و گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود که می‌توان گفت یک حقیقت جزئیه بوده و با مرتبه ذات ناب، احدیت و لاهوت و نشانه‌های از این قبیل می‌باشد.
۴	هویت در لغت نامه «وبستر» چنین تعریف شده است: - هویت تشابه و همه آن چیزهای که تشکیل دهنده واقعیت عینی و متمایز و معادله‌ای برای جواب‌گوی همه مقادیر در این حیطه باشد.
۵	هویت در فرهنگ انگلیسی «آکسفورد» چنین تعریف شده است: - هویت یکسان بودن مطلق، همانند بودن در همه شرایط، وضعیت یا واقعیتی که شخص خودش باشد نه چیز دیگر به بیان دیگر فردیت بودن در منطق این حوزه در چیستی و کیستی فرد از هویت می‌باشد.

جدول ۲- تعریف هویت در واژه (زبان‌شناسی - زبان‌شناختی) (مأخذ: نگارندگان)

همان‌طور که طبق تعاریف مشاهده شده در (جدول ۲)، در بررسی معنا و معانی و مفاهیم و مفهوم هویت در فرهنگ‌ها هویت به دو معناست: یکی هویت یک شیء (چیزی، اثری)، که ذات^۷ و جوهر آن، دیگری ویژگی‌های هویت که موجب تمایز یک شیء (چیزی، اثری)، می‌گردد (قطبی، ۱۳۸۷: ۸۳-۷۸). واژه هویت در فرهنگ‌ها، حوزه‌ها و مکاتب مختلف دارای تعاریف و اختلافاتی است که در بین ملت‌ها ریشه‌یابی و چندگانگی این مفهوم باید مورد بررسی قرار گیرد که در این پژوهش هویت از نظر لغوی در فرهنگ زبان فارسی موجب شناسایی شخص یا چیزی می‌شود. این عوامل سبب ایجاد راهی مؤثر برای اهداف در سیطره روند تکاملی این پژوهش گامی مثبت و تأثیرگذار خواهد بود.

۵- هویت مکان^۸ - (محیط)

«مکان»^۹ اصلی‌ترین و بارزترین معیار سنجش هویت انسان می‌باشد. هویت مکان با محیط فیزیکی یک دل‌بستگی معنایی در ارتباط بوده و شخصیت وجودی هر انسان که هویت وجودی را به وجود می‌آورد مکانی است که خود، آن را به وجود آورده است. ویژگی‌های قابل تشخیص مکان در یک فرد یا یک جمع احساس که به واسطه ارتباطشان با مکان در تشخیص هویت برانگیخته می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۰: ۵). هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوها و رویدادها در مکان حاصل می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۵: ۶۵). هر مکانی ماهیت خود را از فضا به دست می‌آورد طوری که نظم فضایی^{۱۰} = نظم ادراکی^{۱۱} بوده است به بیان دیگر هر مکانی با یک فرم یکپارچه و انسجام فضایی

توصیف و شناخته می‌شوند. رابطه هویت مکان با محیط حاصل برقراری تعامل میان افراد و مکان کالبدی که محیط بنا شده چیزی بیش از بناها بوده که تعاملی بسیار پیچیده و پیوندی تأثیرگذار در رابطه هویت مکان با محیط می‌باشد. در واقع مکان زیرساخت هویت انسان و حاصل شناخت ویژگی‌های او در جهان که انسان در آن زندگی می‌کند و در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد و بازتاب وجوه فرهنگی مکان دارد. هویت مکان یکی از راه‌های ارتباط انسان و مکان از طریق محیط و کالبدی ادراکی مشخص می‌گردد. مکان، به خودی خود معنایی برای جاری شدن رویدادهای زندگی و ارتباط بین جهان هستی^{۱۱} - حیات زندگی^{۱۲} انسان می‌باشد و این مکان را خاص و باارزش و دارای معنای از محیط در تحقق شکل‌پذیری به هویت مکان تبدیل می‌کند. هویت مکان عنصر و عامل منحصربه‌فرد^{۱۳} و بخشی از فضا است و می‌تواند شکل‌دهنده‌ی خاطره تلقی فراهم، که ابزاری برای ساخت مکان خواهد بود.

۶- هویت زمان^{۱۵} - (محیط)

زمان یک مؤلفه تأثیرگذار در بحث و رهیافت^{۱۴} ورود به موضوع هویت بوده است رویدادهای زندگی آدمی از جمله معماری در طول زمان تبدیل به یک مؤلفه هویت بنام هویت زمان پدید گشته است. هویت زمان - (محیط) در نوع معماری، در مکان معنا می‌یابد رویدادهای که در محیط^{۱۷} در طول زمان در ذهن و خاطره انسان ایجاد می‌شود چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی یکی از عوامل هویت بخش انسانی در هویت زمان با محیط پدیدار می‌گردد که در ذهن انسان نقش می‌بندد و «مکان»، را متمایز با جاهای دیگر در محیط می‌کند؛ زمان صرفاً با گذشته معطوف نمی‌شود بلکه در عرصه زندگی محقق می‌شود و رابطه آن با محیط معنایی معنوی و فراتر از کالبد دارد. بنابراین زمان در تعیین هویت در معماری، انسان را عامل خود می‌داند چون زمان بدون انسان معنا ندارد چرا که این انسان است که به زمان هویت می‌بخشد و در مقابل زمان به عنوان یکی از ابعاد وجودی جهان، دایره ممکنات انسان و معماری نهادینه در آئین در سیر تاریخی^{۱۸} می‌شود.

۷- هویت محیط^{۱۹} - (مکان - زمان)

مهم‌ترین ویژگی که در تبدیل محیط به هویت است مکان است کیفیت معنایی محیط وقتی به معنا تبدیل می‌گردد که هویت و ریشه داشته باشد طوری که «گور پرلا» هر مکان کالبدی مصنوع یا طبیعی برای شناخت مکان در طول زمان برای محیط با «حس خود»، تحقق یابد را تعریف کرده است (Korpela, 1989:244). در واقع مفهوم محیط به آن دسته از محیط‌های اطلاق می‌شود که تفکر در خلق اثر پدید آید و یا احیاء شود که اگر محیط فاقد هویت یعنی حس تشخیص و تمایز باشد محیط قابل خواندن نیست چرا که محیط کالبدی نه خود انسان نه هویت شخص او، بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر هر تصویری که انسان از خود می‌سازد را شامل می‌شود. ارتباط یک اثر با محیط پیرامونی در جهت، همبستگی^{۲۰} و افزایش دست‌یابی به هویت و ارتباط بین انسان با بنا فراهم و راهکاری مناسب در جهت انتقال مفاهیم به نسل‌های بعد در بازآفرینی^{۲۱} هویت محیط امری تأثیرگذار و رویکرد پایدار در احیاء خواهد گشت.

۸- هویت فرهنگی^{۲۲} - (اجتماعی)

هویت و فرهنگ^{۲۳} نماد هویت فرهنگی و سرنوشتی به هم پیوسته اند طوری که ملت‌ها را

در هر جامعه مرزبندی می‌کند هویت فرهنگی ساختار کنش‌های انسانی محدود می‌شود آثار معماری داخلی در جهت هویت فرهنگی بر مبنای مفاهیم فرهنگی - اجتماعی^{۲۴} در عرصه‌های زمانی به رشد و تعالی می‌رسند و در عین حال همسویا فرهنگ بشری هماهنگ و یک دل بستگی در کالبد بستر فضایی^{۲۵} رخنه به عمل آورد به طوری که مقوله هویت فرهنگی از دو حیث حائز اهمیت می‌یابد؛ تاریخ و زمان که می‌توان تاریخ را در حوزه جغرافیای فرهنگی و زمان را در حوزه اجتماعی مدنظر قرار داد که سبب شکل‌گیری حفظ و تحول هویت فرهنگی - اجتماعی تجلی نمود. فرهنگ جامعه هنگامی عامل و زمینه معماری جامعه می‌شود که زمینه‌ها و مختصات فرهنگی اعم از اصول و اعتقادات و باورهای جامعه نشأت گرفته از عوامل درونی هویت؛ فرهنگ، اجتماع، سنت و دین باشد. صاحبان فرهنگ هر جامعه در پی تجلی اصول و مبانی فرهنگی می‌باشند در نتیجه مختصات فرهنگی را به عنوان ویژگی‌ها و هویت خویش پذیرفته در فرهنگ اسلامی^{۲۶} در شکل دادن فضا بر حسب نیازمندی‌ها با نوع فرهنگ اسلامی می‌توان ارتباط مؤثر در رسیدن به اهداف راهکاری مناسب پیدا کرد.

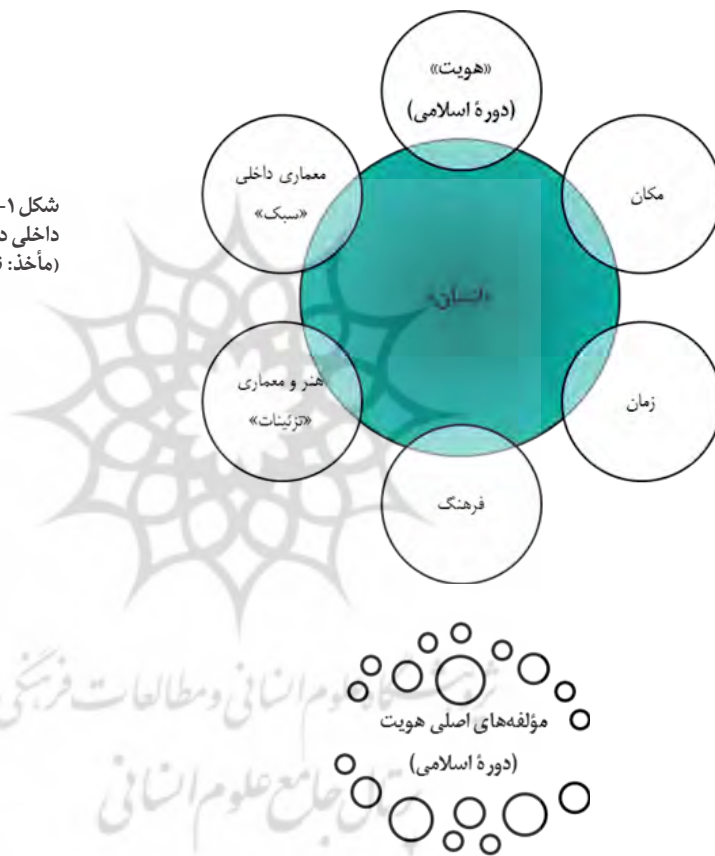
۹- هویت در معماری داخلی^{۲۷} - (دوره اسلامی)

در تعریف هویت معماری داخلی^{۲۸} در دوره اسلامی می‌توان به (روح مکان - حس مکان)^{۲۹} که مکتب فکری اسلام^{۳۰} است چنین بیان کرد. آفرینش هویت در معماری^{۳۱} در اصل بر معماری داخلی استوار و جدایی ناپذیر است از دوره هخامنشی و پس از اسلام تا پایان دوران قاجار زیبایی‌شناختی^{۳۲} - زیبایی^{۳۳} مبتنی بر تزیینات بوده که معماری داخلی تشکیل دهنده اصلی تزیینات در معماری می‌باشد (جوادی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۱). هویت عامل و عنصری هویت بخش در ساختار معماری داخلی دوره اسلامی یک پدیده اثرگذار و ارتباط پذیر خواهد بود و با یک رویکرد سامانه‌ای مؤلفه‌های هویت در معماری داخلی که انسان در همه مؤلفه‌ها یک رابطه‌ای همواره با محتوا و بطن اسلام در آثار، تحقیقی نسبی می‌باشد که همه عوامل به صورت سازمان‌دهی^{۳۴} در حال چرخش با انسان در جهت رسیدن به آرمان‌ها که هویت را تشکیل می‌دهند. طبق (شکل ۱)، مبنای بودن انسان در تمام مراحل در رسیدن انسان به هویت را نشان می‌دهد که می‌توان گفت معماری و به خصوص معماری داخلی یکی از بارزترین خلاقیت‌های انسان است و به عبارت دیگر معماری مخلوق انسان است، گرچه معمار بزرگ جهان هستی خداوند متعال می‌باشد. محیط زندگی انسان، همانند هر اثری انسانی دیگر دارای یک هویت عاری از تفکر و هویت انسانی که معماری داخلی را شکل می‌دهد. معماری داخلی هر سرزمین تحت تأثیر هنر، فرهنگ و بستر زمانی و مکانی به شمار می‌رود. به بیان دیگر، معماری داخلی در دوره اسلامی ریشه در مبانی نظری معماری و فرهنگ گیتی دارد طوری که همواره در دوره اسلامی به عنوان عنصری هویت بخش و ابزاری مهم و با هدف اصلی در احیای هویت در راستای هویت بخش به معماری داخلی امری ضروری است. معماری داخلی در دوره اسلامی در ایران یکی از ابزارهای کارآمد در خلق فضای داخلی، آثار درخشان و ماندگار در دوره‌های مختلف به تاریخ بشریت در جهان رسیده است طوری که تزیینات در معماری بسیار مورد توجه و دارای هویت و مفهوم هویت‌مند از تزیینات در فضای داخلی، دوره ایرانی - اسلامی را می‌توان بخشی از هویت دانست و احیای هویت امریست که اندیشمندان بر بودنش صخه گذاشته‌اند. معماری و تزیینات هم سو و پیوسته با معماری داخلی در بناها، در هر شرایط مکانی - بومی از فرهنگ آن تأثیر می‌پذیرد طوری که هر بنا جزئی از فرهنگ معماری، وظیفه یک خلق اندیشه‌ای ذهنی^{۳۵} از طریق عملکرد فرم ظاهری و تزیینات به فضای داخلی عینیت بخشد (ذوالفقارزاده، حصار، ۱۳۹۳: ۴۴-۲۹). معماری در

هویت در معماری داخلی (دوره اسلامی)
 محمد دبیده، امید شاطری وایقان
 صص ۱-۱۸

دوره اسلامی یک سبک خستگی‌ناپذیر و تأثیرگذار در بین سبک‌هاست و بیشتر توجه خود را به فرم‌های به‌جامانده، بهسازی^{۳۶} و با تزئینات معماری داخلی در بناها می‌افزود (هیلسن براند، ۱۳۸۳: ۷۱). تزئینات در دوره اسلامی دارای شناسنامه محسوب می‌شد بیشتر نقوشی که در تزئینات دوره اسلامی به‌کار گرفته می‌شد از جمله نقوش هندسی، اسلیمی، گیاهی الهام از طبیعت و تفکر اسلامی شکل گرفت هم‌چنین حذف عناصر انسانی و حیوانی از ابتدای این سبک در تزئینات بود. هنر تزئینات در نوع معماری آرایش ظاهری محسوب نمی‌شد بلکه هنر راستین وجودی که از عقاید ژرف خالقان آن نشأت می‌گیرد (ادریسی خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). بنابراین تزئینات در معماری دوره اسلامی را باید دارای یک هویت‌ساز، هویت در معماری داخلی و جریان‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی - اعتقادی، اقتصادی و قسمتی از باورها تلقی کرد.

شکل ۱- مؤلفه‌های هویت در معماری داخلی دوره اسلامی^{۳۷}
 (مأخذ: نگارندگان)



۱۰- هویت در دوره اسلامی^{۳۸} - (معماری داخلی)

دوره اسلامی^{۳۹} تجلی هویت در معماری مبحثی گسترده از عناصر و نظریه‌های مختلف اندیشمندان با بازتاب حداکثری محتوا در این دوره بوده است. هویت اسلامی به‌عنوان صورت و کالبد اصلی معماری دوره اسلامی منطقی و تبیینی جامع؛ معماری اسلامی بازآفرینی حکیمانه و عادلانه از فضای زیستی انسان با عوامل مادی و صورتی متناسب با نیازهای مادی و روحی انسان در جهت کمال انسان می‌توان تعریف کرد. هویت در دوره معماری اسلامی طبق آیات و روایات متعدد، فطرت انسان امری بالقوه و استعدادی وجودی که بین تمام انسان‌ها مشترک است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (قرآن کریم، سوره روم آیه ۳۰: ۴۰۴). تا هنگامی که انسان به صورت ارادی و انتخاب

استعدادهای وجودی فطری خود را به خودآگاهی نرساند، ایده‌ها و ایده‌آل‌های او از فطرت الهی وی بهره‌مند نخواهد شد. معماران دوره اسلامی هر یک به تناسب با درجه ایمان و فهم خود از حقایق عالم وجود برداشتی متفاوتی داشته و آثار هر یک انعکاس از همان درجه فهم که مراتب وجود، هویت در دوره اسلامی مجموعه‌ای کامل از الگوها غیر معماری غربی و دیگر ادیان بود و در معماری اسلامی نشان‌دهنده تمدن اسلام و کالبد روح انسان که مکتب فکری اسلام است پدیدار ساخته شده است. اعتقاد برخی از منتقدان در تفکیک کامل اسلام با آثار هنری و معماری دوره اسلامی بوده و تأکید آنان که فرم^{۴۰} و کالبد معماری اسلامی نتیجه قوانین فیزیکی خصوصیات اقلیمی، فرهنگی و عملکرد فیزیکی بناهای دوره اسلامی می‌باشد (Kuhnel, 1996:6). که به بیان دیگر رابطه میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد (Grabar, 1993:1). و می‌توان گفت معماری اسلامی برآیند کوشش‌های همه جانبه معماران کشورهای اسلامی است (Michel, 1978:283). حتی اگر کالاهای تولیدی در خدمت آرمان‌های اسلامی نباشد (Kosh, 1991:10). بنابراین به اعتقاد اکثریت منتقدان معماری در دوران اسلامی ارتباط چشمگیری با آموزه‌های اسلامی داشته که در واقع کالبد آثار معماری تجلی عینی^{۴۱} در بطن و حقیقت اسلام بوده که تحقق هویت معماری داخلی دوره اسلامی در این آثار می‌باشد. تحقق یافتن هویت در دوره اسلامی می‌توان گفت تابع سه موضوع بوده عبارت‌اند از: ۱- ادراک: ^{۴۲} فهم اواز حقیقت عالم هستی وجودی و نفس انسان، ۲- سبک: ^{۴۳} تعالی بین خلق اثر و ۳- تجربه. ^{۴۴} طبق فرایند (شکل ۲)، با این سه نکته اساسی هویت در دوره اسلامی در آثار معماری و معماری داخلی بازتاب متغیر خواهد گردید.



۱-۱۰- تناقض^{۴۵} هویت در آثار معماری داخلی - (دوره اسلامی)

- ۱- چندگانه بودن هویت.
- ۲- هویت پنهان و هویت آشکار.
- ۳- دارای ارزش‌های مکانی، زمانی، محیطی، اجتماعی، اقتصادی و عقلانی.
- ۴- تداوم و استمرار در هویت.

۲-۱۰- معیارهای ارزیابی هویت کالبدی در جهت تعالی - (دوره اسلامی)

- ۱- وحدت / کثرت.
- ۲- تمایز/ تشابه.
- ۳- تداوم / تحوّل.
- ۴- انسان / هویت.

۱۱- مفهوم هویت^{۴۶} - (دیدگاه‌ها و نظریه‌های اندیشمندان داخلی و خارجی)

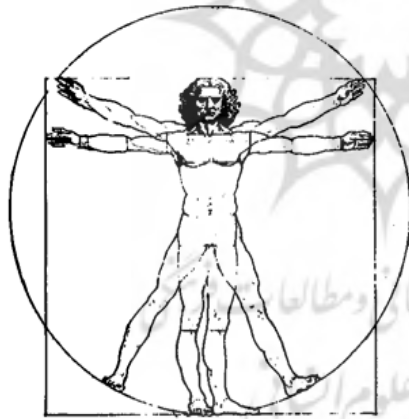
بی‌شک مسئله هویت از آغاز حضور انسان در سیرتاریخ برمی‌گردد. آن زمان که انسان در نزد خود از چیستی و کیستی در برابر طبیعت مواجهه و احساس پاسخ کرد هویت متولد شد انسان از دیرباز به دنبال کشف حقایق، قوم و قبیله و... بوده است. در حقیقت مفهوم هویت پاسخ به سؤالات و شناسایی در جهت کشف حقایق می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۵). که در این مقاله دیدگاه‌های نظریه‌پردازان^{۴۷} حوزه معماری (معماری داخلی)، اسلام و فلسفه^{۴۸} طبق (جدول ۳)، در زیر پرداخته شده است.

جدول ۳- دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در حوزه هویت (مأخذ: نگارندگان)

حوزه	ردیف	دیدگاه‌های هویت در معماری، معماری داخلی	
		نظریه‌پردازان	دیدگاه نظریه‌پرداز
معماری، معماری داخلی (داخلی)	۱	محمد دبیده ^{۴۹}	- تأکید او بر این است که هویت در معماری مانند شناسنامه خود انسان است، به بیان دیگر انسان = هویت. هم چنین وی میراث معماری به جای مانده از گذشتگانمان را نشانه وجودی وابسته به انسان که عامل اصلی هویت بوده، می‌داند.
	۲	هوشنگ سیحون ^{۵۰}	- او به شیوه‌ای در طراحی اعتقاد داشت که در آن به مباحث هویت در معماری توجه شود. لذا هر یک از آثار به جای مانده شایسته بازخوانی هستند که در کارهای وی به طور چشمگیر مصداق می‌کند، هم چنین هویت را می‌توان چارچوبی نظری + پی‌ریز = ملاک عمل در هویت می‌دانست و هویت را محصول عمل خلاقانه انسان می‌پنداشت.
	۳	حسین سلطان‌زاده ^{۵۱}	- او اعتقاد دارد که معماری ایران در دوره‌های مختلف دارای شکوفایی که هر یک صاحب هویت که می‌توان هویت مختص به آن را تعریف کرد که باید با آن‌ها را با یک رویکرد عملکردی اجرا کرد.
معماری، معماری داخلی (خارجی)	۱	گوردن کالن ^{۵۲}	- تأکید او بر ادراک انسان و که چنین عامل مهم در طراحی، محیط بیان کننده هویت می‌باشد به بیان دیگر منظره یا محیط به این خاطر زیباست که خاطرات ما را به یاد می‌آورد.
	۲	جفری برودبنت ^{۵۳}	- تأکید او بر هویت بر مبنای پنج اصل می‌باشد: تناسب در فضا، محیط، فرهنگ، اقتصاد و توجه به تأثیرات آن‌ها. هم چنین وی طراحی را یک عملکردی خلاق که وظیفه پاسخ به نیازهای انسان می‌باشد معتقد دارد.
	۳	جان لنگ ^{۵۴}	- تأکید او بر استدلال در برخورد با پاسخ‌های جدید و نیازهای هویتی انسان توأمان با غنی ساختن تجربه در برخورد با انسان معتقد می‌باشد.
علوم	دیدگاه‌های علوم مختلف در رابطه مفهوم هویت		استنتاج نویسندگان
	نظریه‌پردازان	دیدگاه نظریه‌پرداز	استنتاج نویسندگان
اسلام	۱	ابن سینا ^{۵۵}	- وجود، و ماهیت وجودی که حقیقت هر شیء وابسته به وجود است بیان می‌دارد.
	۲	ملاصدرا ^{۵۶}	- حفظ وحدت و تشخص وجودی همراه با مراد نفس هویت واحده می‌پندارد.
	۳	ابن عربی ^{۵۷}	- وحدت وجود و تقابل ظاهری، یعنی هویت بیان‌گر حقیقت در عالم غیب و نهان معتقد است.
فلسفه	۱	افلاطون ^{۵۸}	- صورت یا مثال، که وجود حقیقت علت وجودی انسان حقیقت انسانیت می‌باشد.
	۲	ارسطو ^{۵۹}	- صورت یا ماده، که جوهر و قائم به ذات می‌باشند.
	۳	دکارت ^{۶۰}	- اندیشیدن بیان جوهری انسان در سه چیز نهفته است: نفس، جسم و ذات باری.

۱۲- معنا و مفهوم هویت در معماری داخلی - (انسان)

مفهوم هویت، مفهوم میان‌رشته‌ای است که کمتر مفهومی است که به اندازه هویت دارای معانی متعدّد و ردپایی از حوزه‌های مختلف از خود به جای بگذارد که می‌توان گفت مفهوم هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اساسی در حوزه‌های مختلف بوده است. معماری داخلی تبلور^{۶۱} فرهنگ، اندیشه انسان و تجلی^{۶۲} عینی ارزش‌ها و باورهای هر قوم و قبیله است مهم‌ترین عامل هویت در معماری داخلی در دوره اسلامی بر مبنای اعتقادی و تفکر^{۶۳} جامعه است. فضاهای داخلی عناصری همچون کاشی‌کاری،^{۶۴} گچ‌کاری،^{۶۵} کاربندی،^{۶۶} آینه‌کاری،^{۶۷} و تزئینات داخلی در تعیین‌کننده عامل مهم و تأثیرگذار در هویت بوده که برگرفته از محتوا و کالبد ظاهر بطن شود و به عنوان مفهوم هویت در معماری داخلی، تزئین و اثر هنری با یک هدف واحد و هدفمند در زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی در فضا داخلی دارای نظم فضایی در ارتباط با روح مکان و خاطره آن در ذهن انسان و در طول زمان به معنا و مفهوم هویت تلقی می‌شود. زیبایی و فرم در معماری داخلی یک هویت بخشیدن به تزئینات در فضای داخلی می‌باشد معماری داخلی یک ارگانسیم^{۶۸} است که تک‌تک عناصر در ارتباط با یکدیگر و متناسب با زیبایی در بناها یک نمونه مؤثر در آثار معماری داخلی است. بنابراین مفهوم هویت در معماری داخلی مفهوم یا وجودی است وابسته به فاعلی دیگر که آن فاعل «انسان» بر اساس (شکل ۳)، و فضا در معماری داخلی است که هرگونه دگرگونی در فاعل و حالات موجب تعیین در دگرگونی^{۶۹} در اصالت^{۷۰} هویت در هر جامعه با هر دینی می‌شود.



شکل ۳- انسان = هویت
(مأخذ: اثر لئوناردو داوینچی)^{۷۱}

۱۳- تأثیر هویت شهری در تأثیر از معماری داخلی - (دوره اسلامی)

هویت شهری^{۷۲} را می‌توان از چند بعد کالبدی و طبیعی، انسانی و سرمایه اجتماعی، تاریخی و اقتصادی بررسی نمود. هویت شهری در دوره اسلامی بخشی از زیرساخت هویت انسان و حاصل از شناخت‌های انسان‌ها در زندگی برخوردار بوده. عوامل و عناصر هویت بخش یک شهر بسیار گسترده و حائز اهمیت هست هویت شهر بر پایه مؤلفه‌های تشکیل دهنده اجزاء و شکل دهنده فضا معماری و معماری داخلی می‌باشد، که عبارت‌انداز: مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی که هرکدام صفات و متغیرهای ویژه خود را داراست که با هم پیوستن این اجزاء پلاک اثر هویت شهری را می‌توان به وجود آورد بر اساس (شکل ۴)، نشانه این موضوع می‌باشد.



شکل ۴- پلاک اثر هویت شهری =
هویت انسان
(مآخذ: نگارندگان)

۱۴- شاخصه‌های (معناگرایی) در هویت معماری و بخصوص معماری داخلی دوره اسلامی

هویت در دوره‌های مختلف معماری بسیار متفاوت است و بخشی از این تفاوت‌ها به فرهنگ صحنه^{۷۴} می‌گذارند و در تعیین و تبیین شاخصه‌های معناگرایی در هر دوره معماری بنیان‌گذار هویت در یک جامعه با هر فرهنگ و دینی پدیدار می‌گردد. هویت در دوره اسلامی در بناها و بناها و سیر تحول از ظاهر تا باطن در زمینه عملکردی انسان در جهت رسیدن به هویت اسلامی بوده است که در (جدول ۴)، به این موضوع پرداخته شده است. بنابراین با شاخصه‌های آمده در زیر سازگاری^{۷۵} و تداوم^{۷۶} در آثار معماری دوره اسلامی در یک نگاه کلی به مفاهیم و تعلق خاطر بین انسان و هویت معماری، معماری داخلی دوره اسلامی پدیدار گردیده شده است.

۱۵- هویت در معماری داخلی دوره اسلامی - (هویت معنوی)^{۹۳}

انسان تنها موجودی است آگاه دارای قدرت اختیار، انتخاب، مختار، سازنده با ذات مقدس^{۹۴} و فطرت الهی^{۹۵} و به بیان دیگر انسان با اندازه‌ترین و زیباترین ساختمان ارگانیک^{۹۶} جهان است و نیز از لحاظ روحی با طبیعت یا خدا، عالی‌ترین ساختمان روانی را در او به وجود آورده است (شریعتی، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۸۰). هر چند انسان زاده طبیعت است اما ارزش‌های معنوی از سوی خداوند متعال در ماهیت وجودی انسان نهادینه شده و موجب عدم تجانس وی با طبیعت گشته که باعث فراطبیعی بودن انسان و مسلط او بر طبیعت که نقطه اوج انسان و برتری او با تمام مخلوقات جهان هستی گشته که باعث به وجود آمدن هویت معنوی و تجلی بر ماهیت، بینش و ادراک^{۹۷} انسان تماماً وجود خدا که تمامی عالم از آن اوست. بنابراین هویت معنوی در معماری داخلی در دوره اسلامی نقطه عطف و تجلی وحدت و یگانگی بودن حضور انسان به عنوان کالبد فیزیکی فاکتور اساسی در شکل‌گیری هویت معنوی است (حجت، ۱۳۸۴: ۵۷). به طور مثال هویت معنوی در معماری داخلی دوره اسلامی را با حضور مساجد^{۹۸} که تداعی ذات یگانه وحدت در کالبد بناهای فضاهای داخلی مساجد سمبلی برای هویت معنوی برای برقراری پیوند منطقی بین انسان و خدا فراهم و مفاهیم و عناصری متعدد چون معنویت، آرامش، هماهنگی، نظم، ابهام، رازگونی، انعطاف‌پذیری^{۹۹} و نقوش هندسی که همه با طبیعت و انسان ظهور کرده‌اند و ساختار هویت معنوی در معماری داخلی دوره اسلامی متبلور^{۱۰۰} گشته است.

جدول ۴- شاخصه‌های اصلی معناگرایی
هویت در دوره اسلامی (مآخذ: نگارندگان)

اهداف رسیدن به هویت	شاخصه‌های اصلی هویت	ردیف	شاخصه‌های اصلی در جهت معناگرایی هویت در معماری و معماری داخلی دوره اسلامی
- عامل اصلی در تشکیل هویت	انسان ^{۷۷}	۱	اهداف اصلی در جهت معناگرایی هویت در معماری و معماری داخلی دوره اسلامی
- توجه به محوری و مرکزی بودن همه فضاها	هدفمندی ^{۷۸}	۲	
- حقیقت وجودی حق، تجلی حق - انسجام کالبد فضایی - عملکرد سامانه‌ای - تکرار الگوها	وحدت/ کثرت ^{۷۹}	۳	
- کلی بودن طرح - پیچیدگی درعین حال خوانایی - دارای آراستگی و نظم مشخص	صراحت ^{۸۰}	۴	
- عنصر اصول در طراحی	محور/ مرکزی ^{۸۱}	۵	
- مشخص بودن و تعریف و تبیین هر مسیر	سلسله مراتب ^{۸۲}	۶	
- ارتباط با فضاها - حفظ ارزش‌های عملکردی فضاها - متعادل و دارای نظم - هماهنگی کامل با بنا	هماهنگی ^{۸۳}	۷	
- حفظ رابطه بین انسان با بناها - حفظ رابطه خود انسان با دیگران در فضای داخلی	حد و حریم ^{۸۴}	۸	
- استفاده از عناصر طبیعی در فضا به صورت مستقیم - استفاده از موتیف‌های برگرفته از طبیعت در تزیینات فضای داخلی	عنصر طبیعت ^{۸۵}	۹	
- ارزش باطنی - رمزوراز بودن فضاها در درک هر یک از فضاها - حقیقی بودن	رمزنگاری ^{۸۶}	۱۰	
- معناگرایی - کشف حقایق	نماد ^{۸۷}	۱۱	
- نمایانگر حضور الهی - جلوه صور عالم مثال	نور ^{۸۸}	۱۲	
- انعکاس در فضای داخلی بر مفهوم امتداد و عالم مثال - هماهنگی در اجزا به صورت به هم پیوسته - نشانه کلی بودن - نمود بصری وحدت	انعکاس ^{۸۹}	۱۳	
- تناسب - نظم - تقارن - مرکزی بودن نقوش هندسی به عنوان الگوی وحدت بخش در بناها	نقوش هندسی ^{۹۰}	۱۴	
- روشنایی - مهد و یکی از عوامل تعیین کننده هویت	آینه ^{۹۱}	۱۵	
- پدیدآورنده سبک‌ها در هر دوره معماری داخلی	تزیینات ^{۹۲}	۱۶	
- پدیدآورنده اصلی هویت در جهان هستی	انسان	۱۷	

۱۶- نتیجه‌گیری

هویت و اساس هویت بر مبنای بودن هویت گذشته با زمان حال نیست چراکه هیچ زمانی نه تکرار شده و نه خواهد شد بلکه هویت با آثار به جا مانده از گذشتگانمان است که در هویت مندی و احراز هویت با یک تراژیک^{۹۱} عملکردی مانند تغییر کاربری،^{۹۲} انطباق،^{۹۳} باززنده سازی،^{۹۴} مرمت^{۹۵} و احیاء^{۹۶} دوباره بناهای تاریخی ارزشمند ما را به هویت می‌رساند. نه اینکه ما باز با برگشت به گذشته از ابزارهای استفاده کنیم که نیاکان^{۹۷} ما در آن واقعه تاریخی^{۹۸} استفاده کرده‌اند که اگر به خاطر هویت گذشته چنین کنیم دچار تضاد خواهیم گشت چرا که هویت بیش از آنکه معطوف به گذشته باشد با توقعات افراد مرتبط است و زمان حال را در بر می‌گیرد و تقاضا برای بهره‌برداری از آن را می‌توان با ریشه‌های به جای مانده از آثار اصیل و اصلی از گذشته احیاء و به هویت معنوی در معنا در محیط، مکان و زمان به واقعیت تجلی بهره‌مند گشت.

فلسفه حکمت و هنر اسلامی را می‌توان تجلی عینی اسلام در آثار معماری و معماری

داخلی بناها به وضوح دید و مشاهده کرد هر چند نمی‌توان گفت آثار و بناها در دوره اسلامی رابطه وجودی با اعتقادات اسلامی وجود ندارد می‌توان گفت فلسفه حکمت هنر و معماری با آثار معماری مسلمان تجلی یافته که این تجلی فلسفه حکمت هنر و معماری است. هنر و معماری در دوره اسلامی اساساً از توحید یعنی وحدت الهی^{۱۱} در وجود انسان بالقوه و ظهور می‌نهد و با تزئینات در معماری داخلی فضاهای طراحی در بناها مشاهده و سرچشمه می‌گیرد ذات وحدت جلوه‌گر انسان وجودی و هویت معنوی که در برخورد با سطح نیروی متخیله انسان در جنبه بصری متبلور و صور اساس جاودانگی^{۱۲} دوره اسلامی در دوره‌های مختلف در زمان‌های تاریخی گذشته است. هویت در معماری داخلی یک حقیقت^{۱۳} عالم هستی همراه با کیفیت ادراک و وجود انسان در خلق اثر متناسب با فهم معماران و رویکرد استعداد آنان اتخاذ و به عنوان سبک دوره اسلامی در جهت تحقق یافت هویت اسلامی به ماهیت و آفرینش ایده‌ها در جهت هویت سازی، عنصری اصیل و ارزشمند در صورت و معنا نهان پیدا می‌گردد. چراکه آدمی مملو از هویت الهی که به تعلق گرفته و تسری می‌شود و هویت انسان از خداوند بوده است هنر و معماری از نفس انسان ملهم می‌شود و گوهر هنر و معماری گوهر نفس اوست که با خلق اثر در معماری داخلی در طراحی ریزفضاها در درون انسان ملهم می‌شود و گوهر هنر و معماری گوهر نفس اوست که با خلق اثر در معماری داخلی در طراحی ریزفضاها در دوره اسلامی حامل تجلیات روح انسان - روح اسلامی از عالم و آدمی برای دست یابی انسان به تعالی معنوی می‌باشد هم چنین در بررسی هویت در معماری داخلی دوره اسلامی شفافیت^{۱۴} علاوه بر وضوح بصری و پایداری دارای بعد معنایی که با تکامل یافتن در دوره اسلامی علاوه بر روند تکاملی^{۱۵} و ریشه پدیداری در تاریخ بستر انسان از ظاهر به باطن و از صورت به معنی از خلق به عالم ملکوت و ایجاد «سبک» در دوره اسلامی یک ویژگی مهم و خاص در این دوره بوده است. تزئینات در معماری داخلی یکی از ارکان مهم در زیبایی شناسی و زیبایی شناختی در معماری می‌باشد که دارای بعد ظاهری، معنایی و عملکردی بوده که با یک ارتباط اصولاً برای انسان موضوعیت و نیاز فطری از اهمیت بسزایی برخوردار است. می‌توان گفت زیبایی آن کیفیت یا ترکیبی از کیفیت‌ها است که سبب می‌شود شخص از طرق حواس، عقل لذتی عمیق را تجربه کند. هرچه زیبایی آثار از زیبایی بیشتری برخوردار باشند محتوای فطری مطلوب تر و روح الهی در انسان در کالبد بناها تداعی کننده؛ خاطره انگیزی،^{۱۶} حس تعلق،^{۱۷} تبیین، ارتقاء هویت ساختاری روشی مؤثر در جهت اولویت بندی در افزایش حس مکان و حس تعلق برانگیخته می‌شود. هم چنین وقتی به چیستی زیبایی و تزئین^{۱۸} در معماری داخلی می‌پردازیم، در حیطه زیبایی شناسی قرار داریم؛ و هنگامی که به این مسئله می‌پردازیم که چه اموری در تزئینات معماری داخلی زیباست؟ و چرا زیباست؟ و چرا هویت انسان تعیین کننده زیباست؟ در قلمرو فلسفه هنر و معماری رخنه می‌کنیم. هویت در فلسفه اسلامی و غرب با هم تفاوت‌هایی از جمله شناخت شناسی و اعتقاد به ابعاد مختلف وجودی انسان است. هویت به عنوان یک وجود ذاتی وابسته به عللی مرکب از دو علت با منشأ انسان و طبیعت بوده که با شکل‌گیری هردو، هویت در معماری داخلی، هویت در معماری، هویت شهری و دیگر هویت‌ها در علوم و حوزه مختلف در رسیدن تجلی هویت متصور می‌شود. حفظ هویت در معماری داخلی دوره اسلامی انسجام آثار معماری همچون با سبک، الگوهای بومی، سنتی، اقلیمی، ریشه‌های فکری و اعتقادی با آگاهی فرهنگ و نیاز انسان در زمان، فاصله انسان با هویت می‌باشد که اگر به این مسئله بی‌توجه نگریست روند رویکرد در جهت هویت ساختاری در بحران هویت تعمیق می‌یابد.

معماری داخلی یک مبحث و بحث فضایی مطرح شده در عرصه طراحی داخلی با عناصر فضایی با کیفیت فضایی ظهور پیدا می‌کند به لحاظ فلسفی معماری داخلی یک پدیده‌ای مهم در شکل‌گیری بازسازی و بازتعریف کردن بناها در محیط می‌توان دانست معماری داخلی ترکیبی از طراحی، هنر و معماری می‌باشد که با ترکیب این سه زمینه در روند معماری داخلی محصور کننده، ایده‌های تحقق یافته، تجربیات انسانی، اهمیت: نور، رنگ، بافت، آینه در عرصه‌های طراحی توسط انسان به وجود آورد و فرم‌های تولیدی در روح بناها با عملکرد مناسب در طراحی جامع چشم‌اندازی بی‌نظیر با احساس رضایت از کارکرد فضای بازسازی شده بین اصالت فضای موجود و هویت آن با دوره اسلامی با ساختار منحصر به فرد باززنده‌سازی انطباقی تکامل یافته هم‌سو با نیازهای امروزی مطابقت و در جهت شکل‌دهی فرایند با نوع مصالح یک گردش فضایی متناسب با نیاز و شیوه‌های فعالیت فردی و نیازهای منعطف نظم فضایی ایجاد شود چراکه این نوع رویکرد با عملیات سازمان‌دهی و سازمان‌یافته در مکانیزم حمایتی از بناهای ارزشمند تاریخی حیاتی دوباره در رسیدن به تحقق هویت قلمداد شود. فعالیت‌های انسانی در طول زمان و در مکان معنا پیدا خواهد کرد گرچه فضاها و مکان‌ها معنا را به معناگرایی و بستر فعالیت‌های انسانی آماده می‌کند که رجوع چندین باره به این محیط‌ها عامل هویت‌مندی هویت در ذهن نقش بخشیدن انسان ایفاء می‌کند طوری که هویت در طول زمان با انسان و باورهایش متحول می‌گردد. اگر تبیینی مناسب صورت نگیرد چیزی به نام هویت نمی‌شود در طی زمان جستجو کرد هویت ریشه‌ای ذاتی از بدو حضور انسان در زمین همراه او بوده و خواهد بود لحظه‌های گوناگون حضور انسان در فضاها و رویارویی با رویدادهای زندگی و یگانه‌پنداری با درک مفاهیم یک کلیتی فراگیر به خلق هویت که مستلزم هدف در جهان هستی با ارزش‌های زیبایی‌شناختی و زیبای ذاتی در بازآفرینی ادراک بافت‌های تاریخی، احیاء و تأثیرگذار با اهداف بهره‌مند گردید. علاوه بر ادراک زیبایی‌شناختی یعنی ادراک معنایی دارای ترجیحات زیبایی‌شناسی از اهمیت خاص و مشخص، ارتباط بین زیبایی و انسان در متحول ساختن زیبایی کیفیت بالاتر در حیطه زیبایی‌شناسی می‌توان تجربه کرد. به قول فیلسوف بزرگ افلاطون: «اما آنان که مستعد به مقام تأمل مستقل در باب زیبایی انتزاعی باشند از نوادند. نیستند؟ به واقع که هستند» پس یقیناً هستند و خواهند بود. بنابراین با بررسی‌های انجام گرفته شده در این پژوهش مشخص می‌کند که هویت در معماری داخلی (دوره اسلامی)، همان بافت‌های فرسوده ارزشمند تاریخی می‌باشد که اگر از فرسودگی بناها جلوگیری نشود چیزی به عنوان هویت در معماری داخلی دوره اسلامی نخواهیم داشت. در این بین هویت خواهد بود که نقش مؤثری در احیاء و باززنده‌سازی ایفاء می‌کند زبان هویت تعیین و مشخص کننده هویت فرهنگی - اجتماعی هر مکان با هر محیطی با هر هویتی در هر دینی با هر تفکر و مذهب و اعتقادی خواهد بود. هویت در دوره اسلامی یک اقدام در جهت شکل‌گیری حکومت نقش بسزایی فراهم می‌آورد و ماهیتی تعیین کننده در تاریخ استمرار می‌یابد ثبات و ماندگاری هویت بر پایه انسان است و خواهد بود. تداوم فرم و احیاء مجدد در کالبد فضاها با شاخص‌های هماهنگ متناسب با مؤلفه‌های تحلیل یافته در پژوهش حاضر می‌توان در عرصه هویت‌مداری تجاربی مطلوب باهم پیوندی عناصر یافته در طراحی فضای داخلی تجربه و مدنظر داشته باشیم. هم‌چنین شناخت هویت ارتباط میان زمان گذشته با زمان حال نتیجه ملحوظ ارتباط روشن در تقویت هویت و ساختار کالبد بناها مؤثر و مشکل برخی از روش‌ها در بهسازی با ابزارهای شناخت به مثابه فرایند ادراک

مفهوم گسترده و تمایل جذب انسان در کشف حقیقت و خصوصیات درخشان از انگیزه‌های معماران آن دوره با روحیه‌های پیوندی رابطه‌ای ساختاری در جهت اصیل جلوه دادن معماری داخلی در دوره اسلامی، جنبه مفید در محیط الهی با الهامات انسانی تأثیر و تأثرگذار مصداق معنایی از باورهای معنوی و معنایی ارزش تاریخی در ارتقاء سطح فرهنگ در معماری داخلی امروزی با رویکرد دوره اسلامی توصیف کرد. رابطه میان انسان و هویت یک رابطه دوطرفه، همراه با واکنش و خواسته‌های انسانی معنا پیدا می‌کند به همین ترتیب مراتب بنیادی در مشابهت به گذشته می‌تواند از بیگانگی بودن بناها در فرهنگ و اجتماع امروزی در زمان و ذهن احساس محصوریت ایجاد نگردد.

کلام آخر، تحقق یافتن هویت در معماری داخلی دوره اسلامی تحقق انسان با محیط و حس مکان - روح مکان و دل بستگی با زمان در فضا می‌توان تعریف و تبدیل به یک سمبل آدینه در معماری دوره اسلامی نهاد که با کنارهم قرار دادن مفاهیم و عناصر در کالبد بناها با ادراک ذاتی در ریشه ذات انسان در معماری داخلی بهره جست و نگهداری از میراث در حفظ ماندگاری آنان توسط خود انسان نگهداری و با یک انطباق سازگار در محیط فرهنگی - اجتماعی و رشد اقتصادی در جوامع باعث خلق روشنایی آثار به جای مانده از گذشتگانمان در کشف حقایق وجودی انسان مانند قلب تپنده دائماً تا لحظه مرگ با انسان بوده و نتیجه ثمره آن به نسل‌های آینده مانند نور و روشنایی بر تاریکی پیروز و هویت در جهان هستی به جاودانه بودن نسل‌ها با ماندگاری و نگهداری باززنده‌سازی و احیاء دوباره، روح هویت مندی، هویت ساختاری، هویت الهی و در نهایت «هویت» متجلی گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Identity
2. Innate
3. Design
4. Islamic Art Wisdom
5. Hindsight
6. Linguistics-Linguistic
7. Essence
8. Place Identity
9. Place
10. Spaceatial Order
11. Perceptual Order
12. Cosmos
13. life
14. Unique /Incomparable
15. Time Identity /Identity of Time
16. Approach
17. Environment
18. Historical Garlic
19. Environment Identity
20. Correlation
21. Recreation
22. Cultural Identity
23. Culture
24. Social
25. Spaceatial Bedder
26. Islamic Culture
27. Identity in Intriior Architecture
28. Intriior Architecture
29. Genius Loci
30. Islamic school of thought
31. Identity creation in Architecture
32. Aesthetic
33. Beauty
34. Organization
35. Subjective
36. Improvement
37. Identity Components in Interior Architecture
38. Identity in the Islamic Period
39. Period Islamic
40. Form
41. Objective
42. Perception
43. Style
44. Experience
45. Contradiction
46. Identity Concept /The Concept of Identity
47. Theorists
48. Philosophy
49. Mohammad Dabdabeh
50. Houshang Seyhoun
51. Hossein Soltanzadeh
52. Gordon Cullen
53. Jeffrey Broadbent
54. Jon Lang
55. Ibn Sina
56. Mollasadra
58. Ibn Arabi
58. Plato /Platonism
59. Aristocles /Aristotle
60. Dekart
61. Crystallization
62. Manifestation
63. Thinking
64. Tiling
65. Plastering
66. Karbandi
67. Worky Mirror
68. Organism
69. Originality
70. Transformation
71. Leonardo da Vinci
72. Urban Identity
73. Meanynialism
74. Certificate
75. Compatibility
76. Continuity
77. Homosapiens
78. Purposefulness
79. Unity /Plurality
80. Precision
81. Axial /Central
82. Hierarchy
83. Harmony
84. Limit and Adytum
85. The element of nature
86. Cryptography
87. Symbol
88. Light
89. Reflection / Reaction
90. Motifs Geometrical
91. Mirror
92. Decoration , Ornament
93. Spiritual Identity
94. The Sacred Essence
95. Divine Innate
96. Organic
97. Percipience

98. Mosques	105. Repair	112. Transparency
99. Flexibility	106. Resuscitation	113. Evolutionary Process
100. Crystallized	107. Ancestors	114. Memorabile
101. Tragic	108. Historical Event	115. Sense of Belonging
102. Adaptive Reuse	109. Immortality	116. Ornament
103. Adaptation	110. Divine Unity	
104. Restoration	111. Literal	

مراجع

۱. ابلی، کریس، (۱۳۸۷)، «معماری و هویت»، ترجمه دکتر فرح حبیب، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲. احمدی، حمید، (۱۳۸۲)، «هویت ملی در گستره تاریخ»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۴۶-۷.
۳. ادرسی خسروشاهی، نازیلا، (۱۳۸۶)، «حکمت تزیینات در هنر و معماری اسلامی»، فصلنامه معماری و ساختمان شماره ۱۴، صص ۴۵-۴۳.
۴. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۵)، «زبان الگو»، ترجمه رضا کربلایی نوری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
۵. جوادی، شهره، (۱۳۸۵)، «تزیین عنصر اصلی در زیبایی شناسی هنر اسلامی»، فصلنامه باغ منظر، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵۷-۵۱.
۶. حجت، عیسی، (۱۳۸۴)، «هویت انسان ساز انسان هویت ساز (تأملی در رابطه هویت و معماری)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۶۲-۵۵.
۷. ذوالفقارزاده، حسن. حصاری، پدارم، (۱۳۹۳)، «نظریه بوم شناسانه به معماری زیستگاه‌ها»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۵، صص ۴۴-۲۹.
۸. رضازاده، راضیه، (۱۳۸۰)، «بحران ادراکی رفتاری در فضای شهری»، ماهنامه شهرداری‌ها، ویژه‌نامه طراحی شهری شماره ۵، صص ۸-۳.
۹. رهبری، مهدی، (۱۳۸۸)، «معرفت و قدرت معماری هویت»، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
۱۰. رهنورد، زهرا، (۱۳۷۸)، «حکمت هنر اسلامی»، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. شریعتی، علی، (۱۳۸۸)، «تاریخ و شناخت ادیان»، جلد دوم، مجموعه آثار ۱۵ دکتر علی شریعتی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. قرآن کریم، (۱۳۸۴)، «قرآن کریم»، ترجمه محمد کاظم معزی، چاپ اول، تهران: انتشارات صابرین.
۱۳. قطبی، علی اکبر، (۱۳۸۷)، «مفهوم هویت و معماری امروز ایران»، ماهنامه آینه خیال، دوره ۲، شماره ۱۰، صص ۸۳-۷۸.
۱۴. لینچ، کوین، (۱۳۷۶)، «تئوری شکل شهر»، ترجمه حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. مهدوی نژاد، محمد جواد، (۱۳۸۳)، «حکمت معماری اسلامی جست‌وجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران»، فصلنامه هنرهای زیبا، سال چهارم، شماره ۱۹، صص ۶۶-۵۷.
۱۶. نقره‌کار، عبدالحمید. رئیس، محمدمنان، (۱۳۹۱)، «تحقق پذیری هویت اسلامی در آثار معماری»، فصلنامه مطالعات شهر ایران اسلامی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۲-۵.
۱۷. نقی‌زاده، محمد. زمانی، بهادر و اسلام کرمی، (۱۳۸۹)، «ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی»، فصلنامه هویت شهر، دوره ۴، شماره ۷، صص ۷۴-۶۱.
۱۸. هیلن براند، رابرت، (۱۳۸۳)، «معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی»، ترجمه ایرج اعتصام، چاپ چهارم، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
19. Grabar, Oleg. (1993). The Formation of Islamic Art, Oleg New Haven: Yale University Press.
20. Michell, George. (1978). Architecture of the Islamic World: its History and Social Meaning, With a Complete Survey of Key Monuments, Edited By George Michell, London: Thames and Hudson.
21. Korpela, Kalevi Mikael. (1989). Place-identity as a Product of Environmental Self-regulation, in Journal of Environmental Psychology, 9 (3), pp. 241-256.
22. Koch, Ebba. (1991). Mughal Architecture: An Outline of Its History and Development (1526-1858), Munich: Prestel publication.
23. Kuhnel, Ernst. (1996). Islamic Art and Architecture, London: G. Bell and Sons Ltd.